

## « ضرب المثل های حقوقی» رایج در دنیا! »



- قاضی که بی‌گناهی را محکوم سازد، وجدان خود را محکوم کرده است. (سوئدی)
- حقیقت غالباً در یک استخر زشت پنهان است. (چینی)
- قانون چاه بی انتهاست، هر که گرفتارش شد کارش ساخته است. (چینی)
- قاضی خوب همسایه بد است. (آمریکایی)
- قانون روی میز است و عدالت زیر میز. (استونی)
- قانون مانند تار عنکبوت است، سوسک از آن رد می‌شود ولی مگس گرفتار می‌گردد. (چک)
- قانون همه را می‌لیسد. (اسکاتلندی)
- حق پشت در منتظر است و باطل در جلسه شرکت می‌کند. (انگلیسی)
- حقیقت و گل سرخ هر دو خار دارند. (اسپانیایی)

- حق شناسی بار سنگینی است. (اسکاتلندی)
- حق بالاتر از قانون است. (روسی)
- قانونی که درباره شیر و گاو یک جور حکم کند، قانون نیست. (انگلیسی)
- حقیقت در ته چاه نهفته است. (فرانسوی)
- حقیقت گریزی است که فرود می‌آید و همه را می‌کشد. (فرانسوی)
- حق همیشه توفیق نیافته است ولی موفقیت همیشه بر حق بوده است. (آلمانی)
- حقیقت، بهتر از طلاست. (انگلیسی)
- حقیقت، مهر خداست. (عبری)
- حقیقت نیش می‌زند و دروغ درمان می‌کند. (ایتالیایی)
- حقیقت شبحی است که افراد بسیاری را از خود می‌ترساند. (آلمانی)
- اگر نمی‌خواهی سرت کلاه برود، قیمت جنس را از سه مغازه بپرس. (چینی)
- آنکه تهمت می‌زند هزار بار می‌کشد ولی قاتل فقط یک بار می‌کشد. (چینی)
- اگر مرد دنبال زن افتد به ازدواج گرفتار می‌شود ولی اگر زن به دنبال مرد افتد بدبخت و بیچاره می‌شود. (عبرتی)
- از شوخی قاضی فقط خودش می‌خندد و همنشینش. (ایتالیایی)
- بی عدالتی بها ندارد. (استونی)
- بی عدالتی دایه پزشک است. (آلمانی)
- تمام براهین دادگاهی قابل قبول‌اند. (ترانسوال)
- تخم مرغ دزد شتر مرغ دزد می‌شود. (فارسی)
- اگر در جوانی سوزنی بدزدی در پیری پول خواهی دزدید. (چینی)
- اگر وکیل دادگستری را با آردنگی پایین پله‌ها اندازید تا پایان عمر به شما خواهد چسبید. (انگلیسی)
- تمام قوانین عادلانه نیست. (اسکاتلندی)
- آفتابه دزدها را به دار می‌آویزیم و به دزدان بزرگ درود می‌فرستیم. (آلمانی)
- اگر میخواهی قاضی خوبی باشی باید به حرف‌های همه گوش بدهی. (برزیلی)

- جهنم و محکمه عدالت همیشه باز هستند. (المانی)
- از دو کس حقیقت را میپوشان یکی پزشک و دیگری وکیل عدلیه. (فرانسوی)
- ازدواج زودش اشتباه است و دیرش اشتباهی بزرگتر. (فرانسوی)
- آنکه می دزدد به دار آویخته نمی شود بلکه آنکه گرفتار می گردد به دار آویخته می شود. (چک)

